رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۱، شماره پیاپی ۸۲، فروردین ۱۴۰۲
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(1), 2023

رابطه بین اسنادهای و دلزدگی زناشویی با نقش واسطه‌ای بخشش زناشویی

The relationship between marital attributions and marital burnout the mediating role of couple forgiveness

زهرا ناظران
دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
سیدعباس حقایق (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
زهره رییسی
دانشیار گروه روان شناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
اکرم دهقانی
استادیار گروه روان شناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Zahra Nazeran
PhD Student of General psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
Sayed Abbas Haghayegh *
Assistant Professor, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. *abbas_haghayegh@yahoo.com*
Zohreh Raeisi
Associate Professor, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
Akram Dehghani
Assistant Professor, Department of Psychology, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نقش واسطه‌ای بخشش زناشویی در رابطه بین اسنادهای و دلزدگی زناشویی انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی افراد متأهل (زن و مرد) دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود که از بین آنها ۳۰۰ نفر (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) (CBM-Q)، اسناد زناشویی فینچام و برادبوری (۱۹۹۲) (RAQ) و بخشش زناشویی پولارد و همکاران (۱۹۹۸) (FFS)، استفاده شد. از آزمون معادله‌یابی ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که بیـــن کلیشه‌های جنسیتی و دلزدگی زناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار، بین دلزدگی زناشویی، اسنادهای زناشویی و بخشش زناشویی، رابطه منفی و معناداری وجود داشت (p=۰/۰۱). همچنین، اسنادهای زناشویی از طریق بخشش زناشویی، نقش غیرمستقیم بر دلزدگی زناشویی داشت (p=۰/۰۱). در مجموع، مدل مفروض پژوهش برازش مناسبی داشت. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش می‌توان گفت که بخشش زناشویی در رابطه بین دلزدگی زناشویی و اسنادهای زناشویی، نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: *اسنادهای زناشویی، بخشش، دلزدگی، زوجین.*

Abstract

The present research was carried out aiming at assessing the mediating role of couple forgiveness in the relationship between marital attributions and marital burnout. The research was conducted by the descriptive-correlation method. The statistical population of the study included all married people (men and women) with marital problems referring to family counseling centers in Tehran (Iran) in 2020, 300 of whom (150 women and 150 men) were chosen by convenience method as the research sample. Pines' (1996) couple burnout measure (CBM-Q) questionnaire, Fincham and Bradbury's (1992) relationship attribution measure (RAQ) questionnaire, and Pollard et al.'s (1998) family forgiveness scale (FFS) were employed to collect data. The Structural Equation Modeling test was used to analyze data. The research findings revealed a positive and significant relationship between gender stereotypes and couple burnout, and a negative and significant relationship between couple burnout, couple attributes, and couple forgiveness ($p<0.01$). Moreover, couple attributes played an indirect role in couple burnout through couple forgiveness ($p<0.01$). Generally, the research's assumed model had a good fit. Given the research results, it can be claimed that couple forgiveness plays a mediating role in the relationship between couple burnout and couple attributes.

Keywords*: Couple Attributes, Forgiveness, Burnout, Couples.*

نوع مقاله : کاربردی	دریافت : آبان ۱۴۰۱	پذیرش: آذر ۱۴۰۱	ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۲

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

مقدمه

خانواده یکی از ارکان مهم جامعه است که در پیشبرد و بقاء جامعه، نقشی اساسی دارد (نجاراصل و همکاران،۱۴۰۰) این رکن با پیوند زناشویی زن و مرد شکل می‌گیرد (آسپارا[1] و همکاران، ۲۰۱۸). خانواده را می‌توان یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط درهم تنیده‌ای دانست که از پیوند زناشویی زن و مرد، بنا نهاده می‌شود و رضایت یک فرد از زندگی زناشویی، به منزله رضایت او از خانواده محسوب می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۴۰۰). امروزه روابط زناشویی سالم از اهمیت خاصی برای جامعه برخوردار است؛ چرا که ارتباط سالم بین زوجین و وجود رضایت زناشویی بین آنها منجر به تربیت فرزندانی سالم و در نهایت جامعه‌ای سالم می‌گردد. داشتن زندگی رضایت‌مند یکی از پیش‌نیازهای رسیدن به آرامش و تکامل انسان است (امان الهی و همکاران، ۱۳۹۱). بسیاری از زوجین زندگی خود را با روابط صمیمانه خوبی آغاز می‌کنند؛ اما این عشق در گذر زمان کم‌رنگ می‌شود (کیانی چلمرادی و همکاران، ۱۳۹۵). کاهش تدریجی دلبستگی و احساس دوری (پورکاسو[2]، ۲۰۱۶)، عدم توانایی زوجین در برآورده کردن تمام خواسته‌های یکدیگر (رحیمی بد و رضایی، ۱۳۹۴)، سبک‌های دفاعی زوجین (شاه رجبیان و عمادی چاشمی، ۱۳۹۸) و تعارض زناشویی (محبیان‌فر و همکاران، ۱۳۹۸) به‌تدریج موجب کاهش انسجام خانواده و تحت تأثیر قرار گرفتن روابط زوجین می‌شود (ویلیامز[3] و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از تهدیدات رشد و بالندگی در زندگی زناشویی زوجین، ناسازگاری و دلزدگی در زندگی زناشویی[4] است (بچمن[5] و همکاران، ۲۰۱۸).

امروزه شیوع دلزدگی زناشویی در بین زوجین درحال افزایش است و بسیاری از زوج‌ها تمایلی نسبت به ماندن در ازدواج‌های ناکام ندارند (کسلر[6]، ۲۰۱۸). در این رابطه، نتایج بررسی‌ها نشان داده است که ۵۰ درصد زوج‌ها با دلزدگی زناشویی مواجه هستند (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۸). کیسر[7] (۱۹۹۶)، اولین محققی بود که پیشنهاد داد طلاق ممکن است ریشه در دلزدگی زوجین داشته باشد. دلزدگی زناشویی، یک حالت خستگی جسمی و از پاافتادگی عاطفی و روانی است که نتیجه درگیری‌های طولانی مدت روانی و هیجانی است (کانگ[8] و همکاران، ۲۰۱۹). خستگی جسمی به شکل خستگی مزمن، سردرد، دردهای شکمی، کمر درد، اختلالات خواب، کم اشتهایی و یا پرخوری و گاهی حتی ناباروری بروز می‌کند. از پاافتادگی روانی به شکل کاهش خودباوری، نگرش منفی‌گرایانه نسبت به روابط به‌ویژه رابطه با همسر، شتاب زدگی، احساس ناامیدی و ناکامی، ناتوانی در ابراز عشق دیده می‌شود. از پاافتادگی عاطفی به شکل احساس آزردگی، کاهش تعهدات زناشویی، ناتوانی در حل مسئله، غمگینی، احساس پوچی و بی‌معنایی، افسردگی و حتی انگیزه‌های خودکشی دیده می‌شود (کانگ و همکاران، ۲۰۱۹). شروع دلزدگی به‌ندرت ناگهانی اتفاق می‌افتد و معمولاً روند آن تدریجی است. درواقع، صمیمیت و عشق کم کم رنگ می‌بازند و به همراه آن احساس خستگی عمومی عارض می‌شود (کیسر، ۲۰۱۸). به‌طورکلی دلزدگی زناشویی طی سه مرحله؛ سرخوردگی و ناامیدی، خشم و تنفر و دلسردی و بی تفاوتی، بروز می‌کند و در نهایت کیفیت زندگی زناشویی را کاهش می‌دهد (نجاتیان و همکاران، ۲۰۲۱). عوامل مختلفی دلزدگی زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرا می‌دهد که از این بین می‌توان به اسنادهای زناشویی[9]، اشاره کرد (دامسا[10] و همکاران، ۲۰۲۰).

اسنادها شامل دو نوع اصلی علی و مسئولیت هستند. اسنادهای علّی به تلاش زوجین در فهم علت رویدادها یا رفتارها و اسنادهای مسئولیت به پاسخگو بودن زوج در برابر رویدادها اشاره دارد و بر عمدی و آگاهانه بودن رفتار، خودخواهی همسر خاطی و سرزنش تأکید دارد (توتارل-کیسلاک و کاوسو قلو[11]، ۲۰۰۶). ویژگی‌های اسنادی از ترکیب سه بُعد درونی/بیرونی، پایدار/ناپایدار و فراگیر/خاص، تشکیل می‌شود (عبدالخالقی و همکاران، ۱۳۹۹). اسنادهایی که هر زوج برای رفتارهای همسرش و وقایع مربوط به روابط ارائه می‌نماید می‌تواند با

1 Aspara
2 . Pokorska
3 . Williams
4 . marital burnout
5 . Bachem
6 Kessler
7 . Kayser
8 . Kang
9 . marital attributions
10 . Dumessa
11 . Tutarel-Kislak & Cavusoghlu

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

کیفیت روابط آنها مرتبط باشد (دامسا[1] و همکاران،۲۰۲۰). فرضیه اصلی اسنادی این است که زوجین فعالانه در جستجوی علت‌های وقوع وقایع هستند و این اطلاعات و باورها مبتنی بر تجربه شخصی یا استنتاج از گفته‌های دیگران است (رفیعی ماری و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بنابراین، اسناد بروی احساس و رفتار زوجین تأثیرگذار است (بردباری[2] و همکاران، ۲۰۰۰). وجود اسنادهای زناشویی منفی موجب کاهش رضایت کلی زناشویی می‌شود (منصورزاده، ۱۳۹۹؛ صادقی و رحیمی، ۱۳۹۷) و عدم تناسب بین توقعات و واقعیت‌های زندگی به تغییراتی در نگرش و رفتار زوجین در مورد زندگی زناشویی و همسر منجر می‌شود (عمادی و همکاران، ۱۳۹۹). نتایج مطالعات دامسا و همکاران (۲۰۲۰) و کیانی چلمردی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که زوج‌های دارای دلزدگی زناشویی نسبت به سایر زوجین، تمایل بیشتری به اسناد دادن رفتارهای منفی به خصوصیات شخصیتی و غیرقابل تغییر دارند.

از طرفی بخشش زناشویی[3]، تعاملات منفی زوجین را از بین می‌برد و آنها را در اتحادی دوباره به هم نزدیک می‌کند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۵). این عامل می‌تواند از طریق مقابله با هیجان‌های نامطلوب و ایجاد چارچوب شناختی و رفتاری مطلوب در هنگام کدورت‌ها و رنجش‌های بین فردی، به انطباق بهتر زوجین و درنتیجه به بهزیستی آنها کمک نماید (فاتحی و همکاران،۱۴۰۰). بخشودگی به‌عنوان مجموعه‌ای از فرآیندهای در حال تغییر شامل کاهش احساسات منفی نسبت به فرد خاطی، کاهش انگیزه برای تلافی یا مجازات و افزایش احساسات مثبت نظیر حس خیرخواهی نسبت به او تعریف می‌شود (لی و لو[4]، ۲۰۱۷). درواقع، رفتارهای بخشندگی می‌تواند با ایجاد تغییرات مثبت در پویایی‌های روابط زناشویی، امکان رشد شخصی و بین فردی را فراهم کند (لئو[5]، ۲۰۱۱). افرادی که قادر به بخشش همسر خود هستند به تقدس رابطه زناشویی معتقدند و این توانایی بخشش همسر، به استحکام بیشتر رابطه زناشویی و افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد (فهد و حنیف[6]، ۲۰۱۹) نتایج مطالعات حاکی از نقش بخشش زناشویی بر کاهش دلزدگی و افزایش رضایت زناشویی زوجین است (زالی و همکاران، ۱۳۹۸؛ آگو و نانکو[7]، ۲۰۱۹؛ کاظمیان مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). لیسیگا[8] (۲۰۲۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بخشندگی از طریق افزایش همدلی، باعث کاهش دلزدگی زناشویی و به تبع آن، افزایش رضایت می‌شود. نتایج مطالعات برایتوایت[9] و همکاران (۲۰۱۹)، پیری و شیرازی (۱۳۹۷)، خادمی و همکاران (۱۳۹۵)، ساداتی و همکاران (۱۳۹۳) و مهرابی زاده هنرمند و همکاران (۱۳۹۳)، نیز نشان داد که بخشندگی از طریق افزایش تمایل فرد برای حفظ رابطه و کاهش تعارض زناشویی، نقش مهمی در افزایش رضایت زناشویی و به تبع آن، کاهش دلزدگی زناشویی ایفا می‌کند.

با در نظر گرفتن خسارت‌های ناشی از تعارضات زناشویی، لزوم بررسی عوامل مؤثر در بروز و کاهش تعارضات زناشویی بین زوج‌ها، جهت بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها و تسهیل روند مشاوره به متقاضیان طلاق، به منظور پیشگیری از آن، بیش از پیش احساس می‌شود. در این رابطه، دلزدگی زناشویی یکی از عوامل تأثیر گذار بر بروز و تشدید تعارضات زناشویی در بین زوجین می‌باشد که لازم هست تا با بررسی رابطه آن با سایر متغیرها در قالب یک متغیر، بتوان با برنامه‌ریزی در جهت تدوین بسته‌های آموزشی به کاهش تعارضات زناشویی زوجین کمک کرد. از سویی دیگر، اگرچه پژوهش‌های پیشین به بررسی متغیرهای مورد نظر به صورت ساده و خطی پرداخته‌اند؛ اما رابطه این متغیرها به صورت مدل‌یابی ساختاری بررسی نشده است. در این پژوهش، متغیر بخشودگی زناشویی به عنوان میانجی در نظر گرفته شده است؛ به این دلیل که زوجین سرسخت، زندگی را به‌عنوان پدیده‌ای در حال تغییر مداوم می‌بینند و این تغییرات را به‌گونه‌ای به کار می‌گیرند تا به تجارب رضایت‌بخششان تبدیل شود ازاین‌رو، خطاهای یکدیگر را می‌بخشند و با بخشودن یکدیگر رضایت زناشویی افزایش یافته و درنتیجه دلزدگی زناشویی آنها کاهش می‌یابد. بنابراین، این پژوهش با هدف ارزیابی رابطه بین اسنادهای و دلزدگی زناشویی با توجه به نقش واسطه‌گری بخشش زناشویی انجام شد.

1 . Dumessa
2 . Bradbury
3 . marital forgiveness
4 . Li & Lu
5 . Leo
6 . Fahd & Hanif
7 . Agu & Nwankwo
8 . Liceaga
9 . Braithwaite

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

روش

پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی به روش معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی افراد متأهل (زن و مرد) دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بودند. به علت گسترده بودن و دشواری در دسترسی جامعه از یک سو و فقدان گزارش‌های رسمی در مورد تعداد زوجین دارای مشکلات زناشویی (مراجعه کننده به مراکز مشاوره)، بیان کردن حجم دقیق جامعه پژوهش امکان‌پذیر نبود. برای تعیین حجم نمونه با توجه به دیدگاه کلاین[1] (۲۰۱۱)، که حداقل حجم نمونه برای مطالعات به روش همبستگی ۲۰۰ نفر است، در پژوهش حاضر با احتمال ریزش، ۳۰۰ نفر (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد) به روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: داشتن حداقل ۲۵ و حداکثر ۵۵ سال، تشخیص مشکلات زناشویی توسط مشاور، داشتن سواد خواندن و نوشتن و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش. ملاک خروج نیز ارائه اطلاعات ناقص و انصراف از تکمیل پرسشنامه‌ها بود. به تمامی شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر در مورد محرمانه ماندن اطلاعات و تحلیل گروهی داده‌ها بدون ذکر مشخصات ارائه شد. در مجموع، ۱۷ پرسشنامه به دلیل نقص در پاسخگویی، حذف و از ۲۸۳ پرسشنامه تکمیل شده برای تحلیل نهایی استفاده شد. برای آزمون مدل مفهومی پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل معادله‌یابی ساختاری به کمک نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و AMOSنسخه ۲۳، استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه دلزدگی زناشویی[2] (CBM-Q): این پرسشنامه توسط پاینز[3] (۱۹۹۶) طراحی شده است و ۲۰ گویه دارد که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثلاً احساس خستگی، سستی و داشتن اختلالات خواب) از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است. این موارد روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. در تفسیر نمره‌ها، درجه بیشتر از ۵ نشانه لزوم کمک فوری، درجه ۵ نشانه وجود بحران، درجه ۴ نشانه حالت دلزدگی، درجه ۳ نشانه خطر دلزدگی و درجه ۲ و کمتر از آن نشانه رابطه خوب است. بیشترین نمره ۱۴۷ و کمترین نمره ۲۱ می‌باشد. ارزیابی ضریب پایایی پرسشنامه دلزدگی زناشویی نشان داد که این ابزار دارای ضریب همسانی درونی بین متغیرها به روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی پرسشنامه به وسیله همبستگی‌های منفی (بین۰/۳۳- =r تا ۰/۴۲= r) با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است. نسخه‌های ترجمه شده پرسشنامه دلزدگی زناشویی به‌طور موفقیت‌آمیزی در مطالعات بین فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسراییل استفاده شده است (پانیز و نانز، ۲۰۰۳، لائس و لائس، ۲۰۰۱). ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۹ برای یک دوره یک ماهه، ۰/۷۶ برای یک دوره دو ماهه، و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه بود و همسانی درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد، که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینز؛ ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴)، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در مورد ۲۴۰ نمونه ۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم اندازه‌گیری کرد که میزان ۰/۸۱ به‌دست آمد. در پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) برای بررسی روایی (CBM) از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد که ضریب همبستگی بین این دو پرسشنامه ۰/۴۰- به‌دست آمده است. در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی همسانی درونی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای مؤلفه‌های خستگی جسمی، از پا افتادن عاطفی و از پاافتادن روانی، به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۹ و ۰/۷۶، به‌دست آمد.

پرسشنامه اسنادهای زناشویی[4] (RAQ): این پرسشنامه توسط فینچام و برادبوری (۱۹۹۲) برای سنجش اسنادهای ارتباطی زوجین ساخته‌شده است. طراحان این پرسشنامه ابتدا سه بعد کلی اسناد علی، اسنادهای مسئولیت و اسنادهای سرزنش را در نظر گرفتند. این مقیاس شامل ۲۸ گویه است که شیوه پاسخ‌دهی به این سؤالات در یک طیف لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالفم) تا نمره ۶ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه اسنادهای ارتباطی را در ۷ بعد مورد سنجش قرار می‌دهد که به این صورت هستند: درونی / بیرونی به همسر، درونی بیرونی به خود، پایدار/ ناپایدار، کلی/ جزئی، عمدی/ غیرعمدی، انگیزه خودخواهانه/ نوع‌دوستانه، سزاوار سرزنش/ گذشته، هر بعد با چهار سؤال مورد سنجش قرار می‌گیرد. حداقل نمره در کل پرسشنامه ۲۸ و حداکثر نمره ۱۶۸ است. این پرسشنامه نمره‌گذاری

1 Kline
2 . Couple Burnout Marital Questionnaire
3 . Pines
4 . Relationship Attribution Questionnaire

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

معکوس ندارد و همه سؤالات به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالاتر به معنای وجود مشکل اسنادی و نمره پایین به معنای عدم وجود مشکل اسنادی است (برادبوری و فینچام،۱۹۹۲). برادبوری و فینچام (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را از ۰/۷۰ تا ۰/۸۳ گزارش کردند و در بررسی روایی واگر و همگران همبستگی قابل قبولی با رضایت زناشویی (۰/۳۳) نشان داد. خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۱) پایایی این پرسشنامه را به شیوه آلفای کرونباخ برای بعد اسنادهای علی ۰/۸۸ و برای بعد مسئولیت‌پذیری ۰/۸۵ به دست آمد. در پژوهش خجسته مهر و همکاران (۱۳۸۹) آلفای کرونباخ برای بعد علی و بعد مسئولیت به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۸۳ به دست آمد. سبوحی و همکاران (۱۳۹۴) این پرسشنامه را ترجمه و برخی از ویژگی‌های روان‌سنجی را گزارش کرده‌اند. نتایج تحقیقات آنها نشان داد که نمرات اسنادهای ارتباطی زناشویی با نمره رضایت زناشویی همبستگی منفی (۰/۳۹) و با علائم جسمی و روانی SCL90-R همبستگی مثبت (۰/۴۲)، دارد. در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی همسانی درونی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای بعد علی، بعد مسئولیت و بعد سرزنش، به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۵ و ۰/۸۴، به‌دست آمده است.

مقیاس بخشش زناشویی[1] (FFS): این مقیاس توسط پولارد و همکاران (۱۹۹۸) برای یافتن میزان بخشایش در خانواده‌ها و نیز ابعاد بخشایش طراحی و ساخته شد. این مقیاس دارای ۵ خرده مقیاس (بعد) است: درک واقع بینانه، تصدیق خطا، جبران عمل ارتکابی، دلجویی کردن و احساس بهبودی و سبکبالی. این مقیاس دارای ۴۰ گویه و دو بخش است که بخش نخست (پرسش‌های ۱ تا ۲۰)، بخشودگی را در خانواده‌های اصلی و والدین او و بخش دوم (پرسش‌های ۲۰ تا ۴۰) میزان بخشودگی را در خانواده‌های هسته‌ای (همسران) می‌سنجد. همچنین، هر خرده مقیاس دارای ۸ پرسش چهارگزینه‌ای است. که گزینه "الف"، ۱ امتیاز و گزینه "د"، ۴ امتیاز دارد. نمرات بالا در این مقیاس، نشان دهنده میزان بخشودگی بیشتر و نمرات پایین، نشان دهنده‌ی میزان بخشودگی کمتر است (سیف و بهاری، ۱۳۸۰). در پژوهش پولارد و همکاران (۱۹۹۸)، ضریب آلفای کروونباخ مقیاس بخشش زناشویی، ۰/۹۳ به‌دست آمد. همچنین، نشان دادند که این پرسشنامه از اعتبار سازه قابل قبولی برخوردار است. سیف و بهاری (۱۳۸۰) این مقیاس را در خانواده‌های ایرانی هنجاریابی نمودند و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ برآورد کردند. همچنین، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، ساختار عامل دو بخش این پرسشنامه (خانواده اصلی و فعلی) را تأیید کردند. در پژوهش دغاغله و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف برای مقیاس مذکور به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۶۵ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی همسانی درونی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای مؤلفه‌های بخشش زناشویی شامل؛ واقع بینانه، تصدیق خطا، جبران عمل ارتکابی، دلجویی کردن و احساس بهبودی، به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۲، ۰/۷۷، ۰/۷۶ و ۰/۷۰، به دست آمد.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی نشان داد که از بین ۲۸۳ نفر پاسخ‌دهنده، میانگین و انحراف استاندارد سنی آن‌ها به ترتیب برابر با ۳۸/۹ و ۸/۲۳ بود که از این مقدار تعداد افراد در مقطع سنی ۲۰ تا ۲۶ سال ۱۵ نفر (۵/۳ درصد)؛ ۲۷ تا ۳۳ سال ۷۳ نفر (۲۵/۸ درصد)؛ ۳۴ تا ۴۰ سال ۷۴ نفر (۲۶/۱ درصد)؛ ۴۱ تا ۴۷ سال ۷۱ نفر (۲۵/۱ درصد) و ۴۸ سال و بالاتر ۵۰ نفر (۱۷/۷ درصد) بود. ازنظر سطح تحصیلات نیز ۴۲ نفر (۱۴/۸ درصد) تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم؛ ۱۲۱ نفر (۴۲/۸ درصد) تحصیلات لیسانس، ۱۰۴ نفر (۳۶/۷ درصد) دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و ۱۶ نفر (۵/۷ درصد) دکتری بودند. ازنظر مدت‌زمان ازدواج ۴۸ نفر (۱۷ درصد) ۱ تا ۳ سال، ۱۴۸ نفر (۵۲/۳ درصد)۴ تا ۶ سال و ۸۷ نفر (۳۰/۷ درصد) بالاتر از ۶ سال زندگی مشترک داشتند. ازنظر تعداد فرزند ۹۱ نفر (۳۱/۲ درصد) بدون فرزند، ۱۲۹ نفر (۴۶/۶ درصد) یک فرزند، ۵۲ نفر (۱۸/۴ درصد) دو فرزند و ۱۱ نفر (۳/۸ درصد) بیشتر از دو فرزند داشتند.

در جدول ۱، ماتریس همبستگی و آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مؤلفه	۱	۲	۳	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	Tolerance	VIF
دلزدگی زناشویی	۱			۷۴/۸	۱۲/۳	۰/۰۹۲	۱/۴	۰/۷۲۷	۱/۳۷
بخشش زناشویی	-۰/۶۵۵**	۱		۸۸/۳	۱۱/۴	۰/۲۶۲	-۰/۵۸۱	۰/۷۱۸	۱/۳۹
اسنادهای زناشویی	۰/۵۰۹**	-۰/۴۰۴**	۱	۹۱/۳	۱۴/۷	-۰/۱۶۳	-۰/۴۲۵	۰/۷۹۲	۱/۲۶

** ($p\leq$ ۰/۰۱)

1 . Family Forgiveness Scale

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

همان‌طور که نتایج جدول ۱ مربوط به ماتریس همبستگی و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داد، بین اسنادهای زناشویی و دلزدگی زناشویی [(p=۰/۰۰۱)،(r=۰/۵۰۹)] رابطه مثبت و معنی‌دار، بین بخشش زناشویی و دلزدگی زناشویی [(p=۰/۰۰۱)، (r=-۰/۶۵۵)] رابطه منفی و معنادار و بین اسنادهای زناشویی و بخشش زناشویی [(p=۰/۰۰۱)، (r=-۰/۴۰۴)] ، رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. با توجه به اینکه اساس تحلیل معادلات ساختاری، همبستگی بین متغیرها می‌باشد، لذا از آنجایی که بین متغیرهای پژوهش رابطه معناداری وجود داشت، می‌توان از معادلات ساختاری استفاده کرد. همچنین مقادیر کجی و کشیدگی در بازه (۲- تا ۲) قرار دارد که نشان‌دهنده توزیع نرمال متغیرهاست. مفروضه هم خطی چندگانه نیز در ردیف‌های مربوط به (VIF) و (Tolerance) بررسی شدند و درنتیجه همبستگی چندگانه خطی بین متغیرهای مستقل یافت نشد (مقادیر Tolerance ۰/۰۱ یا کمتر و مقادیر VIF بزرگ‌تر از ۱۰ نشان‌دهنده همخطی چندگانه است).

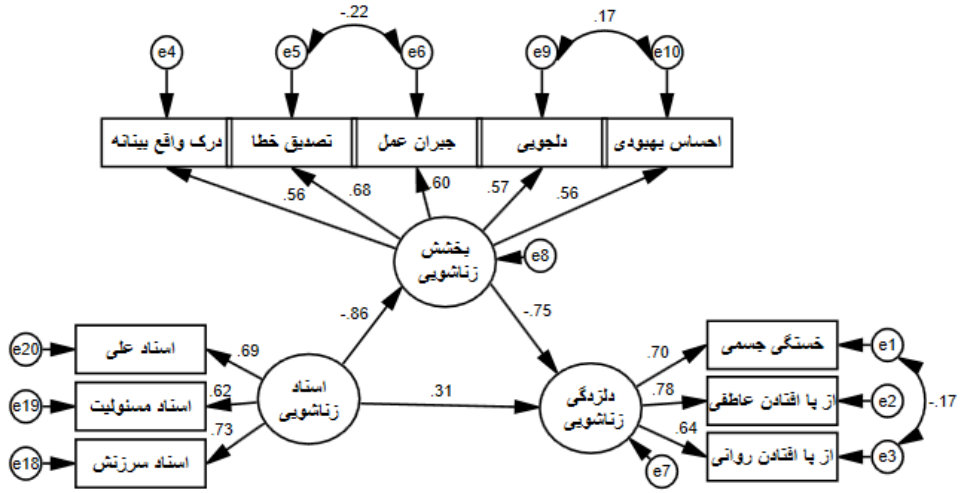

شکل ۱. ضرایب استانداردشده مدل تحلیل معادلات ساختاری (اصلاح‌شده)

مدل ارائه شده پژوهش در شکل ۱ نشان داده شد. این مدل نشان میدهد که بین اسندهای زناشویی و بخشش زناشویی و دزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. همچنین بخشش زناشویی نیز با دلزدگی زناشویی رابطه مستقیم دارد. بر اساس مدل بخشش زناشویی میتواند به عنوان یک متغیر میانجی بین اسناد زناشویی و دلزدگی زناشویی نقش میانجی داشته باشد و رابطه بین دو متغیر را تبیین کند. با توجه به اینکه در مدل آزمون شده مسیرهای بین متغیرهای مکنون همان فرضیه‌های پژوهش هستند، به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش پرداخته شد که نتایج آن در جدول ۲، ارائه شده است. مدل اولیه بررسی شد و بر اساس پیشنهادهای نرم افزار بین خطاهایی که مدل را اصلاح میکند و بایکدیگر کوواریانس معنادار داشتند ارتباط برقرار شد. پس از برقراری کوواریانس مدل مجدد اجرا و در نهایت با برقراری سه کوواریانس بین خطاهای موجود شاخص های برازش بهبود پیدا کردند و خطاهای ان نیز کاهش یافت. با برقراری کوواریانس بین خطاها مسیرها نیز قدیر مطلوبتری را به دست اوردند تا مدل نهایی به دست آید.

پس از نهایی شدن مدل اصلاح شده در جدول ۲ نو رابطه ضرایب استاندارد و غیر استاندارد، خطاهای استاندارد، حد بالا و پایین و سطح معناداری ارائه شد.

جدول ۲. ضرایب و معناداری رابطه دلزدگی زناشویی و اسنادهای زناشویی با بخشش زناشویی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیر میانجی	نوع رابطه	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	خطای استاندارد	حد پایین	حد پایین	معناداری
اسنادهای زناشویی	دلزدگی زناشویی	بخشش زناشویی	مستقیم	-۰/۸۶۳	-۰/۴۶۸	۰/۰۶۱	-۰/۷۷۹	-۰/۹۴۵	۰/۰۰۱
			غیرمستقیم	۰/۶۴۴	۰/۸۱۹	۰/۲۴۴	۰/۳۷۶	۰/۱۴۱	۰/۰۰۱
			کل	۰/۹۵۸	۱/۲۱	***	۰/۹۷۴	۱/۵۳۷	۰/۰۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

پس از اجرای مدل شاخص‌های برازش مدل بررسی شدند و نتایج نشان داد شاخص آماره خی دو بر درجه آزادی برابر با (۱/۲۹۱) گزارش شد که این مقدار بر اساس معیار مطلوبیت کمتر از ۴ و معنادار و مطلوب است. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA=۰/۰۳۲) و بر اساس شاخص مطلوبیت کمتر از ۰/۰۸ دارای مطلوبیت مناسب و معنادار است. شاخص‌های برازش هنجار شده (NFI=۰/۹۵۶)، شاخص برازش مقایسه‌ها (CFI=۰/۹۹۰)، شاخص نیکویی برازش (GFI=۰/۹۶۹) و شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده یا انطباقی (AGFI=۰/۹۴۷) گزارش شد که این شاخص‌ها بر اساس ملاک مطلوبیت بالاتر از ۰/۹۰ از سطح مطلوب و معناداری برخوردار بودند تا مدل نهایی گزارش شود. همان‌طور که نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل مسیر با استفاده از روش بوت استراپینگ در جدول ۲ نشان داد، اسناد زناشویی با دلزدگی زناشویی [(p=۰/۰۰۱)، (β=-۰/۸۶۳)]، رابطه مستقیم دارد؛ که این مقدار ازنظر آماری با ۹۹ درصد اطمینان با مقدار (p≤ ۰/۰۱) معنادار است. همچنین اسنادهای زناشویی با نقش میانجی بخشش زناشویی با دلزدگی زناشویی [(p=۰/۰۰۱)، (β=۰/۶۴۴)]، رابطه غیرمستقیم دارد که این مقدار ازنظر آماری با ۹۹ درصد اطمینان با مقدار (p≤ ۰/۰۱) معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارزیابی نقش واسطه‌ای بخشش در رابطه بین اسنادهای زناشویی و دلزدگی زناشویی انجام شد. یافته اول پژوهش نشان داد که بین اسنادهای زناشویی و دلزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعات عمادی و همکاران (۱۳۹۹)، منصورزاده (۱۳۹۹)، رفیعی ماری و همکاران (۱۳۹۵)، کیانی چلمردی و همکاران (۱۳۹۵)، دامسا و همکاران (۲۰۲۰) و مک نولیتی و کارنی (۲۰۰۱)، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اسنادهای نادرست مانند نسبت دادن اعمال منفی به شریک زندگی به صفات غیرقابل تغییر، زمانی که آن اعمال واقعاً تحت تأثیر موقعیتی صورت گرفته باشد، می‌تواند در فرد احساس ناامیدی نسبت به تغییر مثبت ایجاد کند. زوجینی که همسرشان را سرزنش می‌کنند و مسئولیت مشکلات را مستقیماً به عهده نمی‌گیرند، احتمال کمی دارد که قادر به ترمیم رابطه و بازگرداندن علاقه‌شان به یکدیگر باشند؛ زیرا که در چنین حالتی علاوه بر فقدان تمرکز بر راه حل‌های موجود، احتمال سرزندش‌گری متقابل همسر و تشدید تعارضات و دلزدگی زناشویی وجود دارد (مک نولیتی و کارنی، ۲۰۰۱). زوجین شاد نیز در زندگی، وقایع منفی زیاد و یا جنبه‌هایی از روابط ناشاد را تجربه می‌کنند ولی پیامدهای وقایع تا حدودی به اینکه چگونه زوج این تجارب خاص را با ارزیابی‌های کلی‌شان از رابطه ادغام می‌کنند، بستگی دارد به میزانی که آنها می‌توانند ارزیابی‌های مثبت خود را با از استنباط‌های منفی مربوط به تجارب خاص یادگیری خاص جدا نگه دارند. این ارزیابی‌های کلی در طول زمان ماندگارتر می‌شوند؛ در مقابل هر اندازه که ارزیابی‌های کلی به این قبیل تجارب خاص متصل شوند، آسیب پذیر یوده و رو به زوال می‌گذارند (کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین، زوجینی که احساس دلزدگی زناشویی کمتری دارند موفقیت‌ها و پیروزی‌ها را بیشتر درونی کرده و به خود نسبت می‌دهند و این باعث می‌شود که اعتماد به نفس آنها بالاتر رود و برای از بین بردن مشکلات تلاش بیشتری از خود نشان دهند. در موقعیت‌های بد و منفی هر چه افراد احساس دلزدگی زناشویی بیشتری کنند، حوادث و اتفاقات را به شرایط کلی‌تر اسناد خواهند داد و در نتیجه درمانده‌تر خواهند شد.

یافته دوم پژوهش نشان داد که بین بخشش زناشویی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی وجود دارد. این یافته با نتایج مطالعات لیسیگا (۲۰۲۱)، برایتوایت و همکاران (۲۰۱۹)، زالی و همکاران (۱۳۹۸)، پیری و شیرازی (۱۳۹۷)، خادمی و همکاران (۱۳۹۵)، ساداتی و همکاران (۱۳۹۳) و مهرابی زاده هنرمند و همکاران (۱۳۹۳)، همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تنفر ایجادشده ناشی از خطاهای همسر، تقویت‌کنندهٔ تعارض و دلزدگی زناشویی زوج‌ها و مانع حل موفقیت‌آمیز آن است (برایتوایت و همکاران، ۲۰۱۹). در این خصوص، عامل بخشودگی سبب کاهش تعارض میان زوجین و به‌تبع افزایش کیفیت روابط زوجین می‌گردد و همین افزایش کیفیت روابط زوجین سبب کاهش دلزدگی زناشویی می‌شود. بخشندگی با توقف پاسخ‌های خصمانه آشکار و نهان، باعث کنترل تکانه‌های پرخاشگری، کاهش تعارض زناشویی و دلزدگی در روابط زناشویی می‌شود. از طرفی درباره رابطه منفی بخشش با تعارض زناشویی فلانگان و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیده‌اند که بخشش شامل جانشین کردن بردباری وعواطف منفی با شفقت است و در روابط صمیمانه، باعث رشد همدلی بین زوجین می‌شود. بخشش مکانیسمی است که به‌صورت پیشگیرانه عمل می‌کند و هم در زمان بروز تعارض و هم پس از آن، از طریق افزایش احساسات مثبت و همچنین اعتمادسازی در رابطه، باعث کاهش روند افزایشی تعارضات و دلزدگی زناشویی می‌شود (لئو، ۲۰۱۱). همچنین، زمانی که فرد قادر به بخشش باشد رابطهٔ میان هتک حرمت و کیفیت رابطهٔ زناشویی ضعیف، تعدیل می‌شود. افرادی که قادر به

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

بخشش همسر خویش هستند، اعتقاد به تقدیس رابطهٔ زناشویی خود دارند و این توانایی بخشش همسر به استحکام بیشتر رابطهٔ زناشویی کاهش دلزدگی زناشویی می‌انجامد. همچنین، گذشت و بخشش ابزاری است انگیزشی که می‌تواند رفتارهای میان‌فردی مانند آشتی با آزاردهنده را آسان نماید و از پدید آمدن خشم و رفتار تلافی جویانه جلوگیری کند. از سویی دیگر، بخشش ابزاری مهم برای حفظ روابط پایدار و دراز مدت است و به زوج‌ها برای مقابله با مشکلات موجود و پیشگیری از بروز آنها در آینده کمک می‌کند (پیری و شیرازی، ۱۳۹۷).

یافته سوم پژوهش نشان داد که بین بین اسنادهای زناشویی و بخشش زناشویی رابطه وجود دارد. در این رابطه، با توجه به بررسی های انجام شده، مطالعه همسو و ناهمسویی، یافت نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بخشش زناشویی یکی از مهارت های مثبت نگری زوجی است که ارزیابی شناختی زوجین از موقعیت‌های تنش‌زا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فرایندهای اسنادی را که نوعی ارزیابی شناختی هستند تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی رفتارهای منفی کلامی و غیرکلامی، رضایت ارتباطی زوجین را کاهش می‌دهد که ذر این رابطه، از طریق بخشش، زوجین می‌توانند این رفتارهای منفی را کاهش دهند یا کنار بگذارند چون تعیین‌های جایگزین به جای رفتارهای منفی قرار می‌گیرند و رفتارهای مثبت مانند بخشش می‌تواند باعث رفتار متقابل مثبت و در نتیجه بهبود اسنادهای ناسازگار شود.

یافته چهارم پژوهش نشان داد که بخشش زناشویی در رابطه بین دلزدگی زناشوی و اسنادهای زناشویی نقش واسطه‌گری دارد. در این رابطه مطالعه‌ای یافت نشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بخشش ابزاری است انگیزشی که می‌تواند رفتارهای بین زوجین مانند آشتی با آزاردهنده را آسان نماید و از پدید آمدن خشم و رفتارهلی خودخواهانه و تلافی‌جویانه جلوگیری کند. همچنین، بخشش ابزاری مهم برای حفظ روابط پایدار و دراز مدت است و به زوج‌ها برای مقابله با مشکلات موجود و پیشگیری از بروز آنها در آینده کمک می‌کند. علاو براین زنان و مردان با وجود اینکه از نظر جنسی متفاوت‌اند ولی از طریق همدلی و رفتارهایی مانند درک متقابل، مهربانی، گرم و پذیرا بودن به رضایت زناشویی بیشتری می‌رسند. زوجین با داشتن توانمندی بخشش به یکدیگر فرصت جبران عمل را در صورت بروز اشتباه از طرف مقابل می‌دهند و درک واقع بینانه‌تری از تفاوت‌های یکدیگر به دست می‌آورند (لیسیگا، ۲۰۲۱). همچنین، زنان و مردان با گرایش به دلجویی، درک واقع بینانه خیرخواهی و دورشدن از خشم-اجتناب می‌توانند به جای سرزنش، همدیگر را ببخشند و درک واقع بینانه‌ای از رفتارهای همدیگر پیدا کنند.

در مجموع، باتوجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مدل نهایی از برازندگی مطلوبی برخوردار است. و بخشش زناشویی در رابطه بین بین اسنادهای زناشویی و دلزدگی زناشویی نقش واسطه‌ای داشت. بنابراین، یافته‌های حاصل از مدل، اطلاعات بیشتری در اختیار پژوهشگران جهت دستکاری متغییر وابسته قرارمی‌دهد و محققین را در طراحی یک پژوهش آزمایشی جهت کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین دارای تعارضات زناشویی کمک می‌نماید. همچنین، باتوجه به بافت مذهبی و معنوی جامعه ایرانی، فعال نمودن سرمایه‌های معنوی مانند بخشش درکاهش دلزدگی زناشویی وافزایش رضایت‌مندی زناشویی تأثیرات بسزایی دارد.

در این پژوهش محدودیت‌ها، شامل؛ نمونه‌گیری دردسترس، صرف استفاده از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات (امکان عدم صداقت در پاسخگویی به سؤالات وجود دارد) و تعمیم پذیری نتایج بود که در مورد زوجین دچار تعارضات زناشویی اجرا گردید و با احتیاط در سایر گروه‌ها قابلیت تعمیم دارد. همچنین، در پژوهش حاضر محدودیت‌هایی چون عدم کنترل متغیرهای تأثیرگذار همانند طبقه اقتصادی-اجتماعی خانوادگی، متغیرهای محیطی و وضعیت تحصیلی وجود داشت . با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی از طرح‌های طولی به منظور بررسی اثر اسنادهای زناشویی و بخشش زناشویی بر پیامدهای دلزدگی زناشویی استفاده شود. همچنین، از آنجا که اسنادهای زناشویی به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق بخشش زناشویی بر دلزدگی زناشویی تأثیر دارد؛ پیشنهاد می‌گردد این عامل برای زوجین در معرض تعارضات زناشویی و طلاق بیشتر مورد مطالعه قرارگیرد.

سپاسگزاری: در پایان نویسندگان برخود لازم می‌دانند تا از تمامی مسئولین مراکز مشاوره و زوجینی که به‌عنوان شرکت‌کننده، در اجرای این پژوهش همکاری نمودند، نهایت قدردانی را به‌عمل آورند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

منابع

اسمعیلی، م.، درخشان، ن.، محمودپور، ع. ا.، خسروانی، ف.، و قاسمی نیایی، ف. (۱۳۹۹). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی در معلمان زن متاهل مقطع ابتدایی شهر اصفهان. *فصلنامه روان‌شناسی تحلیلی شناختی*، ۱۱(۴۰)، ۲۵-۳۴.Doi:20.1001.1.28222476.1399.11.40.3.5

اکبری، ن.، و سامانی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس بدکارکردی های جنسی در زنان شهر شیراز. *زن و جامعه*. ۳۴(۹)، ۱۹-۳۳.Doi:20.1001.1.20088566.1397.9.34.2.8

امان الهی، ع.، اصلانی، خ.، تشکر، ه.، غوابش، س.، و نکوئی، س. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و عشق با رضایت زناشویی. *مطالعات زنان*، ۳(۱۰)، ۶۷-۸۶.Doi:10.22051/JWSPS.2012.1419

پناهی، م.، کاظمی جمارانی، ش.، عنایت پور شهربابکی، م.، و رستمی، م. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج‌درمانی رفتاری تلفیقی بر کاهش دلزدگی زناشویی و ترس از صمیمیت زوج‌ها. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱۱(۳)، ۳۹۲-۳۷۳.Doi:20.1001.1.20084331.1396.11.4.4.7

خدادادی سنگده، ج.، حاجی‌زاده، ط.، آموستی، ف.، و رضایی، م. (۱۳۹۵) پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس سلامت عمومی و صمیمیت زناشویی در پرستاران. *مراقبت مجله‌های پیشگیرانه در پرستاری و مامایی*. ۵۰-۴۵.https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/673935

دهقان، ا.، غلامعلی لواسانی، م.، و مدنی، ی. (۱۳۹۷). رابطه بین باورهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی: نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی. *مجله روانشناسی*، ۳(۲۲)، ۳۵۷-۳۴۴.http://www.iranapsy.ir/fa/Article/۲۱۳۲۱

ذوالفقاری، س.، مرادی، ا.، احمدیان، ح.، و شمس علیزاده، ن. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش مدل رضایت جنسی بر کاهش دل‌زدگی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۲۴ (۲)، ۲۵۵-۲۴۶.Doi:20.1001.1.17355338.1400.24.2.5.4

رجبی، غ.، حریزاوی، م.، و تقی پور، م. (۱۳۹۵). ارزیابی مدل رابطه خوددلسوزی، همدلی زناشویی و افسردگی با میانجی‌گری بخشش زناشویی در زنان. *مشاوره کاربردی*، ۶(۲)، ۲۲-۱.Doi:10.22055/JAC.2017.21290.1422

رحیمی بد، م.، و رضائی، آ. (۱۳۹۴). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس کلیشه های جنسیتی و تضاد نقش در زوجین. دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم.https://civilica.com/doc/۵۰۸۲۹۹/

رفیعی ماری، ا.، کتانی، م.، و اعتمادی، ع. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های شناختی ـ رفتاری بر انتظارات و اسنادهای زناشویی در زنان. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۱(۳۸)، ۱۱۰-۱۳۵.https://cwfs.ihu.ac.ir/article_۲۰۱۷۰۷.html

زارع باغبیدی، م.، و اعتمادی فرد، ا. (۱۳۹۹). تعیین نقش واسطه‌ای مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق. *نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳۸، ۱۵۰-۱۳۵.Doi:10.22034/SPR.2020.114700

زالی، ز.، احمدی، ص.، و صرامی، غ. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای بخشودگی زناشویی در رابطه میان نستوهی روان‌شناختی با بی‌رمقی زناشویی. *آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*، ۵ (۱)، ۱۲۴-۱۰۷.http://fpcej.ir/article-1-205-fa.html

سبوحی، ر.، فاتحی زاده، م. ا.، احمدی، س. ا.، و اعتمادی، ع. (۱۳۹۴). تاثیر مشاوره بر مبنای رویکرد پذیرش و تعهد بر بهبود اسنادهای ارتباطی زنان مراجعه کننده به فرهنگسراهای شهر اصفهان. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱۱(۲)، ۶۵-۵۳. https://www.sid.ir/paper/۲۳۷۵۲۸/fa

شهرویی، ش.، کاظمیان مقدم، ک.، خلفی، ع.، و مهرابی زاده هنرمند، م. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه‌ی اسنادهای ارتباطی، خودکارآمدی جنسی و تعهد زناشویی با سازگاری زوجی، *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۱۰ (۲)، ۱۴۳-۱۲۳.Doi:10.22055/JAC.2021.36124.1777

عبادت پور، ب.، نوابی نژاد، ش.، شفیع‌آبادی، ع.، و فلسفی نژاد، م. ر. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب اوری و باورهای معنوی و دلزدگی زناشویی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، (۳) ۱۳.۴۵-۲۹.Doi:20.1001.1.22285516.1392.4.13.2.1

عبدالخالقی، م.، احدی، ح.، و صیرفی، م. ر. (۱۳۹۹). تأثیر «برنامهٔ آموزش تاب‌آوری» بر اسنادهای علّی و راهبردهای مقابلهٔ شناختی دانشجویان. *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۴(۴۹)، ۵۵-۷۲.Doi:20.1001.1.23831324.1399.14.49.4.3

عمادی چاشمی، س. ج. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک‌های دفاعی من با دلزدگی زناشویی. دومین همایش بین المللی علوم مدیریتی، تربیتی، اجتماعی و روانشناسی.https://elmnet.ir/article/۹۶۱۲۲-۴۷۰۱۳۶۶۹۰

عمادی، ش.، میرهاشمی، م.، و پاشاشریفی، ح. (۱۳۹۹). مدل ساختاری برای پیشبینی دلزدگی زناشویی بر اساس هیجانخواهی، کمالگرایی و راهبردهای تنظیم هیجان با میانجیگری تابآوری در زنان متاهل. مجله علوم روان‌شناختی، (۱۹) ۹۲، ۱۰۲۲-۱۰۱۱.Doi:20.1001.1.17357462.1399.19.92.4.4

غلامپور، ن. (۱۳۹۹). رابطه دلزدگی زناشویی و بخشندگی و تمایزیافتگی با نقش میانجی‌گری تعارض زناشویی،دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه،شیراز.https://civilica.com/doc/۱۱۸۳۷۸۴/

فاتحی، ن.، غلامی حسنارودی، م.، و عابد، ن. (۱۴۰۰). نقش میانجی‌گر بخشودگی زناشویی و بهزیستی ذهنی در رابطه بین ذهن آگاهی و رضایت جنسی زنان و مردان متأهل شهر تهران: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۰ (۶)، ۶۴۵-۶۶۰.Doi:10.52547/jrums.20.6.660

قمری گیوی، ح.، و مجرد، آ. (۱۳۹۵). پیش‌بینی گرایش به اعتیاد با استفاده از سبک دلبستگی و تکانشگری. *مجله سلامت و مراقبت*. ۱۸ (۱)، ۱۷-۲۷.http://hcjournal.arums.ac.ir/article-1-433-fa.html

کیانی چلمردی، اح.، اسدی شیشه گران، س.، اسماعیلی قاضی ولویی، ف.، و زوار، م. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی و اسنادهای زناشویی در افراد متاهل مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی شهر اردبیل. *تازه ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵ (۵۹)، ۵۸-۷۵.http://irancounseling.ir/journal/article-1-254-fa.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]

محبیان فر، م.، پیراسته، ف.، حنایی، ن.، احمدی پور مهدابی، ف.، و کلانتریان، ف. (۱۳۹۸). نقش معنا داری زندگی و تعارض زناشویی در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی در پرستاران زن متأهل شهر دزفول. اولین کنفرانس علمی بین المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی. https://elmnet.ir/article/۲۲۹۳۲-۲۰۵۵۵۱۵۹

محمودپور، ع.، شیری، ط.، فرحبخش، ک.، و ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی (فرهنگ مشاوره)*، (۱۱) ۴۲، ۱۲۱- ۱۴۱. Doi:10.22054/QCCPC.2020.43452.2164

Agu, S. A., & Nwankwo, B. E. (2019). Influence of religious commitment, intentionality in marriage and forgiveness on marital satisfaction among married couples. *IFE Psychologia: An International Journal*, *27*(2), 121-133. *https://www.ajol.info/index.php/ifep/article/view/190501*

Amato, P. R., & Keith, B. (1991). Parental divorce and adult well-being: A meta-analysis. *Journal of Marriage and the Family*, 43-58. *https://doi.org/10.2307/353132*

Aspara, J., Wittkowski, K., & Luo, X. (2018). Types of intelligence predict likelihood to get married and stay married: Large-scale empirical evidence for evolutionary theory. Personality and Individual Differences, 122, 1-6. *https://doi.org/10.1016/j.paid.2017.09.028*

Bachem, R., Levin, Y., Zhou, X., Zerach, G., & Solomon, Z. (2018). The Role of Parental Posttraumatic Stress, Marital Adjustment, and Dyadic Self-Disclosure in Intergenerational Transmission of Trauma: A Family System Approach. *Journal of marital and family therapy*, 44(3), 543-555. *https://doi.org/10.1111/jmft.12266*

Bem, S.L. (1974). *The lenses of gender* .New Haven, CT: Yale University Press. Bem, S. L. Wallace, DP., McCracken LM, Weiss, KE, & Harbeck-Weber, C. (2015). The role of parent psychological flexibility in relation to adolescent chronic pain: further instrument development. *J Pain*, 16(3), 235-246. *https://doi.org/10.4236/sm.2017.72006*

Boiman-Meshita, M., & Littman-Ovadia, H. (2021). The marital version of three good things: A mixed-method study. *The Journal of Positive Psychology*, *16*(3), 367-378. *https://doi.org/10.1080/17439760.2020.1716046*

Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1992). Attributions and behavior in marital interaction. Journal of Personality and Social Psychology, 63, 613-628. *https://doi.org/10.1037/0022-3514.63.4.613*

Braithwaite, S. R., Selby, E. A., & Fincham, F. D. (2019). Forgiveness and relationship satisfaction: Mediating mechanisms. *Journal of Family Psychology*, 4, 551-559. *https://doi.org/10.1037/a0024526*

Dumessa, L., Oliveros, A. D., & Coleman, A. (2020). Attributions of conflict: impact on the relation between parental physical maltreatment and emotion regulation difficulties. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, *29*(1), 57-72. *https://doi.org/10.1080/10926771.2018.1544183*

Epstein, N. B., & Baucom, D. H. (2002). *Enhanced cognitive-behavioral therapy for couples: A contextual approach*. American Psychological Association. *https://doi.org/10.1037/10481-000*

Fahd, S., & Hanif, R. (2019). Determinants of marital flourishing among married individuals: an asian perspective. *Review of Economics and Development Studies*, *5*(1), 95-108. *https://doi.org/10.26710/reads.v5i1.513*

Guler, M. (2021). The Effects of the Group Guidance Program on the Couple Burnout, Occupational Burnout and Work Engagement Levels of Fathers with Children with a Diagnosis of Autism Spectrum Disorders. *Eurasian Journal of Educational Research*, *92*, 359-376.

Kang, M., Selzer, R., Gibbs, H., Bourke, K., Hudaib, A. R., & Gibbs, J. (2019). Mindfulness-based intervention to reduce burnout and psychological distress, and improve wellbeing in psychiatry trainees: a pilot study. *Australasian Psychiatry*, *27*(3), 219-224. *https://doi.org/10.1177/1039856219848838*

Kayser, K. (1996). The marital disaffection scale: An inventory for assessing motional estrangement in marriage. *The American Journal of Family Therapy*, 24, 83-88. *https://doi.org/10.1080/01926189508251019*

Kessler, D.(2018). The consequences of divorce for mothers and fathers: unequal but converging?. *Lives Working Paper* , 71,1-29.

Li, H., & Lu, J. (2017). The neural association between tendency to forgive and spontaneous brain activity in healthy young adults. *Frontiers in human neuroscience*, *11*, 561. *https://doi.org/10.3389/fnhum.2017.00561*

Liceaga, M. D. (2021). "You stay, no matter how bad": Women voice the trajectory of marital disaffection. *A Thesis Presented to the Faculty of San Diego State University*. *https://digitallibrary.sdsu.edu/islandora/object/sdsu%3A2831*

Matsunaga, M. (2008). Item parceling in structural equation modeling: A primer. *Communication methods and measures*, *2*(4), 260-293. *https://doi.org/10.1080/19312450802458935*

Nargiso, J. E., Becker, S. J., Wolff, J. C., Uhl, K. M., Simon, V., Spirito, A., & Prinstein, M. J. (2012). Psychological, peer, and family influences on smoking among an adolescent psychiatric sample. *Journal of substance abuse treatment*, *42*(3), 310-318. *https://doi.org/10.1016/j.jsat.2011.07.010*

Nejatian, M., Alami, A., Momeniyan, V., Noghabi, A. D., & Jafari, A. (2021). Investigating the status of marital burnout and related factors in married women referred to health centers. *BMC women's health*, *21*(1), 1-9. *https://doi.org/10.1186/s12905-021-01172-0*

Pines, A. (2013). *Couple burnout: Causes and cures*. Routledge.

Pines, A. M. Neal, M. B. Hammer, L. B. & Icekson, T. (2011). Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. *Social Psychology Quarterly*, *74*(4), 361-386. https://doi.org/10.1177/0190272511422452

Pines, J. (1996). Cell cycle: reaching for a role for the Cks proteins. *Current Biology*, *6*(11), 1399-1402.

Pokorska, J. (2016). *Relationship fading in business-to-consumer context* (Doctoral dissertation, Aston University).

Roddy, M. K., Walsh, L. M., Rothman, K., Hatch, S. G., & Doss, B. D. (2020). Meta-analysis of couple therapy: Effects across outcomes, designs, timeframes, and other moderators. *Journal of consulting and clinical psychology*, *88*(7), 583. https://doi.org/10.1037/ccp0000514

Sobral, M. P., Matos, P. M., & Costa, M. E. (2015). Fear of intimacy among couples: dyadic and mediating effects of parental inhibition of exploration and individuality and partner attachment. *Family Science*, *6*(1), 380-388. *https://doi.org/10.1080/19424620.2015.1106416*

Tutarel-Kislak, S., & Cavusoghlu, A. (2006). Evlilik uyumu, baglanma biçimleri, yüklemeler ve benlik saygcse arassndaki ilirkiler. *Aile ve Toplum Dergisi*, *9*, 61-68.

Williams, A. E., Weinzatl, O. L., & Varga, B. L. (2021). Examination of Family Counseling Coursework and Scope of Practice for Professional Mental Health Counselors. *The Family Journal*, *29*(1), 10-16. *https://doi.org/10.1177/106648072097853*

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-13]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.17.1]